

بررسی اجمالی مقررات کیفری ماهوی و شکلی حاکم بر نشریات الکترونیکی در حقوق ایران*

- حسنعلی مؤذن‌زادگان^۱
- زهرا علی‌بخشی^۲

چکیده

امروز گسترش فضای سایبری و تبادل دیجیتال اطلاعات، زمینه را برای فعالیت گسترده نشریات الکترونیکی فراهم آورده است. اما نبود قوانین مشخص درباره این گونه نشریات الکترونیکی، بررسی این موضوع را اهمیتی ویژه بخشیده است که آیا قوانین موجود درباره مطبوعات چاپی (نوشتاری) را می‌توان به این نشریات نیز تسری داد؟ به عبارت دیگر، آیا امتیازات موجود در رسیدگی به تخلفات مطبوعات نوشتاری همچون علنی بودن دادگاه صالح، حضور هیئت منصفه و... در رسیدگی به جرایم نشریات الکترونیکی نیز اجرایی است؟ در این جستار کوشش شده است با هدف رفع ابهام از تعمیم این قوانین به نشریات الکترونیکی، به تحلیل چگونگی تعمیم مقررات کیفری ماهوی و شکلی در این باره بپردازیم. واژگان کلیدی: نشریات الکترونیکی، مطبوعات چاپی (غیر الکترونیکی)،

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۶.

۱. دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی (moazenfadegan@gmail.com).

۲. کارشناس ارشد حقوق ارتباطات (نویسنده مسئول) (zahraalibakhshi2010@gmail.com).

دادگاه صالح، علنی بودن دادگاه، هیئت منصفه.

مقدمه

آزادی اندیشه و بیان یکی از مصادیق آزادی‌های عمومی و مشروع است. طبق اصل نهم قانون اساسی، آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور اصولی تفکیک‌ناپذیر هستند، لذا نمی‌توان با تکیه بر آزادی، استقلال و تمامیت ارضی کشور را خدشه‌دار کرد و به جهت حفظ استقلال و تمامیت ارضی، آزادی‌های مشروع را که مصداق بارز آن، آزادی بیان است، زیر سؤال برد. همچنین اصل ۲۳ قانون اساسی مقرر می‌دارد: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

این اصل نیز بر آزادی عقیده تأکید می‌کند و آن را از حقوق اساسی بشر می‌شمارد. یکی از مصادیق مهم آزادی بیان، مطبوعات است که آن را رکن چهارم دموکراسی و مروج آزادی‌ها به شمار می‌آورند. اگرچه مطبوعات کارکردی مثبت دارند، در برخی موارد عنصری خطرناک می‌نمایند که نقشی منفی دارد. در اصل ۲۴ قانون اساسی با تأیید این مطلب آمده است: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

لذا وضع قانونی تحت عنوان قانون مطبوعات سبب شده است که آزادی مطبوعات تا حدی زیاد تعدیل گردد، به طوری که در کنار محترم شمردن آزادی مطبوعات، حدود و ثغور این آزادی را در نظر گرفته است.

از طرف دیگر، با توجه به گسترش روزافزون فضای سایبر و کارکردهای مثبت آن، بسیاری از نشریات، با فعالیت در فضای سایبر، اطلاعاتی بیشتر را به کاربران می‌دهند. از این رو لازم است که ماهیت حقوقی و مسئولیت کیفری آن‌ها بحث و بررسی شود. قانون مطبوعات ایران، مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن در سال ۱۳۷۹، در تبصره ۳ مقرر داشته است: «کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است». اجمال و ابهامی که در این تبصره وجود داشت، ارائه نکردن تعریفی جامع از نشریات الکترونیکی بود. لذا آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات ایران مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن

مصوب ۱۳۷۹، در سال ۱۳۸۱ بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد ماده ۴۷ این قانون، در هیئت وزیران به تصویب رسید و تعریفی از نشریات الکترونیکی ارائه گردید. تبصره ۱ ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات مقرر می دارد:

نشریه الکترونیکی، نشریه ای است که در محیط دیجیتال با همان صورت، شرایط و ظواهر یک نشریه چاپی و طی فرایند فعالیت مرسوم روزنامه نگاری و تحریریه ای تولید و به طور منظم و با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف معینی در یک یا چند زمینه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تولید و منتشر می شود^۱ (اسحاقی، ۱۳۸۳: ۱۲۹-۱۳۰).

بر این اساس، وبگاهها و وبلاگهای اطلاع رسانی همگانی که با صورت و شرایط و ظاهری متفاوت با نشریه ای چاپی ایجاد می شوند و مطالبی را منتشر می کنند، از شمول تعریف نشریات الکترونیکی خارجند و ایجاد و اداره این وبگاهها و وبلاگها، تابع اصل آزادی و قواعد کلی حاکم بر مسئولیت های مدنی و کیفری است.

می توان این گونه استنباط کرد که نشریات الکترونیکی به دو دسته تقسیم می شوند: نشریات الکترونیکی داخلی و خارجی. شکی نیست که مطابق نص صریح تبصره ۳ ماده ۱ قانون مطبوعات، نشریات داخلی مشمول قواعد و مقررات قانون مطبوعات هستند. شایان ذکر است که نشریات نوشتاری دارای مجوز، نیاز به اخذ مجوز جداگانه برای فعالیت در محیط دیجیتال ندارند (آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات: ماده ۱، تبصره ۲). بنابراین مفهوم این مقرر آن است که انتشار نشریاتی که صرفاً در محیط دیجیتال منتشر می شوند، همانند انتشار مطبوعات چاپی، به اخذ مجوز از هیئت نظارت بر مطبوعات نیاز دارند (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

درباره نشریات الکترونیکی خارجی نیز ماده ۸ قانون مطبوعات مقرر می دارد: انتشار نشریه توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و اخذ پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آزاد است. استفاده نشریات از کمک خارجی مستقیم یا غیر مستقیم ممنوع و جرم محسوب می شود.

۱. برخی نویسندگان تعاریفی دیگر از نشریه الکترونیکی ارائه داده اند. طبق یک تعریف هر گونه پیام، اعم از متن، تصویر، صدا و حتی فیلم را از طریق شبکه اطلاع رسانی یا اینترنت، رسانه الکترونیک می دانیم. رسانه های الکترونیک، روزنامه، رادیو و تلویزیون و تله تکست را در بر می گیرد.
۲. منظور از نشریات الکترونیکی در این مقاله روزنامه نگاری الکترونیک از طریق اینترنت است.

لذا می‌توان چنین استنباط کرد که نشریات خارجی، مشمول قوانین کیفری مطبوعات جمهوری اسلامی ایران نخواهند شد، مگر اینکه جرایمی را مرتکب شوند که امنیت ملی و نظم عمومی ایران را مخدوش سازد. در این صورت با استناد به اصل صلاحیت واقعی (قانون مجازات اسلامی: ماده ۵) محاکم ایران صلاحیت رسیدگی می‌یابند. با این همه به دلیل نبود تعریفی جامع از نشریات الکترونیکی در سال ۱۳۸۸ قانونی تحت عنوان قانون اصلاح ماده ۱ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن به تصویب مجلس رسید. ماده واحده این قانون بیان داشته که تعریف نشریات الکترونیکی به ماده ۱ قانون مطبوعات الحاق گردد. بر اساس تعریف این ماده واحده: نشریه الکترونیکی، رسانه‌ای است که به طور مستمر در محیط رقمی (دیجیتال)، انواع خبر، تحلیل، مصاحبه و گزارش را در قالب نوشتار، صدا و تصویر منتشر می‌نماید.

به نظر می‌رسد تعریف تبصره ۱ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات از نشریات الکترونیکی، مقیدتر و محدودتر از تعریف تبصره ۴ ماده ۱ قانون مطبوعات است؛ چرا که تبصره ۱ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات، زمینه فعالیت نشریات الکترونیکی را محدود به زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کرده است در حالی که در تبصره ۴ ماده ۱ قانون مطبوعات، هیچ محدودیتی برای فعالیت نشریات الکترونیکی نیست و نشریات در هر زمینه‌ای می‌توانند خدمات دهند.

اینک با مشخص شدن تعریف نشریات الکترونیکی این سؤال مطرح می‌شود که آیا این نشریات از نظر حقوق کیفری با نشریات نوشتاری (کاغذی) تفاوتی ندارند و یا در برخی مسائل ماهوی و شکلی متفاوتند؟ پرداختن به این سؤال زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم نشریات الکترونیکی بر خلاف نشریات نوشتاری ممکن است که مشمول قوانینی دیگر مانند قانون جرایم رایانه‌ای نیز بشوند. موضوع انطباق و جمع میان قواعد متضاد و متعارض قوانین کیفری مختلف حاکم بر نشریات الکترونیکی موضوع اصلی این مقاله است. در این مقاله به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که اولاً «حوزه شمول قوانین کیفری حاکم بر نشریات الکترونیکی چه تفاوتی با نشریات نوشتاری دارند؟» و ثانیاً «چه قواعدی برای حل تعارض قواعد ماهوی و شکلی حاکم بر فعالیت نشریات الکترونیکی وجود دارد؟»

الف) مقررات ماهوی حاکم بر نشریات الکترونیکی

۱. مسئولیت کیفری

قانون مطبوعات مصوب ۲۲ اسفندماه ۱۳۶۴ اصلاحی ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی دربارهٔ مسئولیت گردانندگان نشریات نسبت به مندرجات آنها بر طبق تبصره ۴ ماده ۹ این قانون چنین پیش‌بینی کرده است:

صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه، مسئول است و مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیر مسئول خواهد بود.

مسئولیت مندرج در این تبصره در خصوص صاحب امتیاز را باید ناظر به عدم رعایت تشریفات قانونی که صاحب امتیاز ملزم به رعایت آن است (قانون مطبوعات، ماده ۷، بند «ب» و «د» و مواد ۱۴، ۱۶، ۱۸) دانست (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۹۰-۹۱)؛ اما با توجه به قسمت اخیر تبصره فوق‌الذکر مسئولیت تمامی مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد با مدیر مسئول خواهد بود و رویه قضایی نیز در غالب آرای منتشرشده، مدیر مسئول را مسئول اصلی معرفی نموده است (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۰:

۱. ماده ۷: «ب- انتشار نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است. د- انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول و نشانی اداره نشریه و چاپخانه آن».

ماده ۱۴: «در صورتی که مدیر مسئول شرایط مندرج در ماده ۹ را فاقد گردد یا فوت شود و یا استعفا دهد، صاحب امتیاز موظف است حداکثر ظرف سه ماه شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند، در غیر این صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می‌شود تا زمانی که صلاحیت مدیر به تأیید نرسیده است، مسئولیت‌های مدیر به عهده صاحب امتیاز است».

ماده ۱۶: «صاحب امتیاز موظف است ظرف شش ماه پس از صدور پروانه، نشریه مربوطه را منتشر کند و در غیر این صورت با یک بار اخطار کتبی و دادن فرصت پانزده روز دیگر در صورت عدم عذر موجه اعتبار پروانه از بین می‌رود. عدم انتشار منظم نشریه در یک سال نیز اگر بدون عذر موجه (به تشخیص هیئت نظارت) باشد، موجب لغو پروانه خواهد بود».

ماده ۱۸: «در هر شماره باید نام صاحب امتیاز، مدیر مسئول، نشانی اداره و چاپخانه‌ای که نشریه در آن به چاپ می‌رسد و نیز زمینه فعالیت و ترتیب انتشار نوع نشریه (دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، ادبی، هنری و غیره) در صفحه معین و محل ثابت اعلان شود. چاپخانه‌ها نیز مکلف به رعایت مفاد این ماده می‌باشند».

۲۳۰-۲۵۹)؛ چرا که مسئولیت انتشار که جزء اصلی عنصر مادی جرم مطبوعاتی محسوب می‌شود، صرفاً می‌تواند با مجوز مدیر مسئول محقق شود، لذا وی باید پاسخ‌گو باشد و مسئولیتش از باب مسئولیت ناشی از فعل غیر است.^۱ نکته شایان توجه این است که در برخی مواد قانون اخیر، از جمله مواد ۳۰ و ۳۱، به مسئولیت مستقیم مدیر مسئول اشاره شده است.^۲ با وجود این، به موجب ماده ۲۷ قانون مطبوعات، در صورت اهانت به رهبر یا شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید، علاوه بر مدیر مسئول نشریه، نویسنده مطلب نیز تعقیب و مجازات می‌شود (معمدنزاد، ۱۳۸۷: ۴۴۰-۴۴۱). به علاوه، مقنن در مواد ۲۴ تا ۲۶ قانون مطبوعات، در تعیین مرتکب جرم، از عبارات «اشخاصی که» و «هر کس» و در بیان عمل مرتکب، از عبارات «فاش و منتشر کند» (ماده ۲۴)^۳ و «تحریر و تشویق کند» (ماده ۲۵)^۴ و «اهانت کند» (ماده ۲۶)^۵

۱. شرایط تحقق مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر: ۱. جرم بودن رفتار ارتكابی، یعنی هر فعل یا ترک فعلی که مقید به ضمانت اجرای جزایی باشد؛ ۲. جرم انجام شده باید مربوط به مقرراتی باشد که مسئول عمل دیگری، شخصاً تعهد انجام آن را نموده باشد. برای تحقق مسئولیت کیفری ناشی از فعل دیگری، علاوه بر ارتكاب جرم از سوی فاعل اصلی، لازم است که شخص مسئول هم مرتکب تقصیر شده باشد (ر.ک: گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۴۵۲).

۲. ماده ۳۰: «انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است. مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌گردد و تعقیب جرایم مزبور موقوف به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد».

ماده ۳۱: «انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است و مدیر مسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد».

۳. ماده ۲۴: «اشخاصی که اسناد و دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه‌های قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ یا صلح به وسیله یکی از مطبوعات فاش و منتشر کنند، به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود».

۴. ماده ۲۵: «هر کس به وسیله مطبوعات، مردم را صریحاً به ارتكاب جرم یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده است، تحریر و تشویق نماید، در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد».

۵. ماده ۲۶: «هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد».

استفاده کرده است^۱ و این عبارات ناظر بر عمل نگارنده مطلب است و می‌توان به صورت ضمنی، مسئولیت کیفری نویسنده را استنباط کرد. این مطلب تا قبل از اصلاح قانون مطبوعات در سال ۷۹ این ابهام را باعث شده بود که ممکن است اشاره نشدن به مسئولیت نویسنده در دیگر جرایم مطبوعاتی مندرج در قانون مطبوعات، به معنای عدم مسئولیت کیفری او تلقی شود (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۹۲). با این حال چنان که ملاحظه شد، رویه قضایی، تردیدی در مسئولیت منحصر به فرد مدیر مسئول نداشت. تصویب قانون مطبوعات اصلاحی سال ۱۳۷۹ این تردید را به کلی برطرف کرد؛ زیرا تبصره ۷ ماده ۹ مقرر می‌دارد:

مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود به عهده مدیر مسئول است، ولی این مسئولیت، نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند، نخواهد بود.

در این تبصره، مسئولیت نویسنده هم‌زمان با مسئولیت مدیر مسئول پذیرفته شده است. به عبارت دیگر نوعی مسئولیت جمعی برای هر یک از نویسندگان و مدیر مسئول وجود دارد. همچنین اداره حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به استعلام شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران در نظریه شماره ۷/۸۳۲۳ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۱ در این باره اشعار داشته است: مسئولیت کیفری مدیر مسئول نشریه به نحو مقرر در تبصره ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات، رافع مسئولیت کیفری نویسنده مطالب توهین و افترا آمیز و... نیست و بزه ارتكابی نویسنده جدا از اتهام مدیرمسئول حسب مورد قابل تعقیب در دادگاه ذیصلاح است.^۲

۱. ماده ۲۷: «هرگاه در نشریه‌ای به رهبر یا شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد».

۲. در حال حاضر به علت شرایط موجود و ریشه سیاسی اکثر جرایم مطبوعاتی، تمایل اصحاب مطبوعات به نپذیرفتن این نظر و معافیت کلی نویسنده و پدیدآوردن آثار مطبوعاتی است. این تمایل گرچه به دلیل شرایط خاص حاکم تا حدودی طبیعی است، پذیرش آن نیاز به قانون‌گذاری دارد و در حال حاضر توجیه حقوقی ندارد. البته اگر نویسنده مطلب اثبات کند که قصد انتشار مطلب مجرمانه را نداشته و نشریه بدون اجازه وی مطلب را منتشر کرده است، مسئولیتی متوجه او نیست. این مطلب مانند آن است که شخصی در خفا یا در دفترچه خاطرات خود به دیگری توهین کند، بدون اینکه قصد علنی شدن آن را داشته باشد (ر.ک: معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۹۲-۹۳).

سایر دست‌اندرکاران چاپ، نشر و توزیع مطبوعاتی نیز علی‌الاصول مجرم نیستند، مگر مستند قانونی صریحی دربارهٔ مسئولیت کیفری آنان وجود داشته باشد (همان: ۹۲-۹۳). بنابراین می‌توان این نتیجه را گرفت که در قانون مطبوعات ایران مسئولیت هم‌زمان نویسنده و مدیر مسئول و سایر دست‌اندرکاران نشر و توزیع به‌طور عملی پذیرفته شده است، اما مسئولیت ناشر و صاحب امتیاز به‌طور مشروط و در مواردی خاص مطرح است. گرچه ممکن است که پذیرش مسئولیت جمعی کیفری در نگاه نخست به عدالت جزایی نزدیک‌تر جلوه کند؛ چرا که محدودیتی برای مقامات قضایی در تعقیب همهٔ کسانی که در ارتکاب جرم با عنوان مباشر، شریک و یا معاون مداخله داشته‌اند، ایجاد نمی‌نماید، از نظر حقوق‌دانان با این ایراد به حق مواجه است که ارباب مطبوعات، اعم از مسئولان نشر و توزیع و نویسندگان را دائم در هول و هراس تعقیب کیفری قرار می‌دهد و آزادی فکر و اندیشه را از آن‌ها سلب می‌کند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

با تعمیم مقررات کیفری قانون مطبوعات بر نشریات الکترونیکی که مجوز انتشار از هیئت نظارت بر مطبوعات دارند، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که مسئولیت اصلی در نشریات الکترونیکی نیز همان مسئولیت در خصوص مطبوعات نوشتاری است. به عبارت دیگر، مدیر وبگاه در فضای سایبر مسئولیت اصلی را در انتشار مطالب بر عهده دارد، اما مسئولیت وی نافی مسئولیت نویسنده و دیگر دست‌اندرکاران نشریهٔ الکترونیکی نخواهد بود.

۲. جرم‌انگاری

قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن در سال ۱۳۷۹ دربارهٔ مطبوعات، مقرراتی را ناظر بر جرایم مطبوعاتی در نظر گرفته است. فصل چهارم حدود مطبوعات را بیان داشته است. مادهٔ ۶ این قانون در ۱۲ بند حدود مطبوعات را بیان داشته است. عناوین مجرمانه مندرج در این ۱۲ بند به ترتیب عبارتند از: ۱. نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند؛ ۲. اشاعهٔ فحشا و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و

مطالب خلاف عفت عمومی؛ ۳. تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر؛ ۴. ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، به ویژه با طرح مسائل نژادی و قومی؛ ۵. تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج؛ ۶. فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیر علنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی؛ ۷. اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید؛ ۸. افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگرچه با انتشار عکس یا کاریکاتور باشد؛ ۹. سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به نحوی که تبلیغ آن‌ها باشد؛ ۱۰. استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ و تشریفات و تجملات نامشروع و غیر قانونی؛ ۱۱. پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران؛ ۱۲. انتشار مطالب علیه قانون اساسی.

در ماده ۷ قانون مطبوعات نیز عناوین مجرمانه دیگر مقرر شده است:

موارد ذیل ممنوع و جرم محسوب می‌شود:

- الف - چاپ و انتشار نشریه‌ای که پروانه برای آن صادر نشده و یا پروانه آن لغو گردیده است و یا به دستور دادگاه به طور موقت یا دائم تعطیل گردیده است؛
- ب - انتشار نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است؛
- ج - انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده‌اند، از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود؛
- د - انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول و نشانی اداره نشریه و چاپخانه آن.

ماده ۸ نیز استفاده نشریات از کمک خارجی مستقیم یا غیر مستقیم را ممنوع دانسته و جرم تلقی کرده است. تبصره ۳ این ماده نیز واگذاری امتیاز نشریه را به غیر

فقط در صورت درخواست کتبی صاحب امتیاز و تصویب هیئت نظارت صحیح دانسته است. در غیر این صورت موضوع، مجرمانه تلقی می شود. فصل ششم نیز که مواد ۲۳ تا ۳۵ را در بر می گیرد، افعالی را جرم دانسته است که عبارتند از:

ماده ۲۳: درج مطالبی مشتمل بر توهین یا افترا یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به اشخاص حقیقی یا حقوقی در مطبوعات؛

ماده ۲۴: فاش و منتشر ساختن اسناد و دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه‌های قلاع و استحکامات نظامی در زمان جنگ یا صلح از طریق مطبوعات؛

ماده ۲۵: تحریص و تشویق مردم به ارتکاب جرم یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور به وسیله مطبوعات؛

ماده ۲۶: اهانت به دین اسلام و مقدسات آن در مطبوعات؛

ماده ۲۷: اهانت به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید؛

ماده ۲۸: انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی؛

ماده ۲۹: افشای مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیر علنی محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضایی؛

ماده ۳۰: انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص؛

ماده ۳۱: انتشار مطالب مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی؛

ماده ۳۲: معرفی شخص به عنوان صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسئول بر خلاف واقع و یا انتشار نشریه بدون داشتن پروانه؛

ماده ۳۳: الف - تقلید نام یا علامت نشریه دیگر ولو با تغییرات جزئی، به طوری که برای خواننده، امکان اشتباه باشد؛ ب - انتشار هر نوع نشریه دیگر به جای نشریه توقیف شده به نحوی که با نشریه مذکور از نظر نام، علامت و شکل مشتبه شود.

بنابراین قانون مطبوعات، جرایم مزبور را به صراحت در زمره جرایم مطبوعاتی، ضمن تعیین میزان مجازات احصا کرده است. از فحوای تبصره ۳ ماده ۱ قانون

مطبوعات این گونه استنباط می گردد که تمامی قواعد و مقررات این قانون از جمله جرم‌انگاری افعال ارتكابی، به همه نشریات الکترونیکی تسری پذیر است.

نیز طبق قانون جرایم رایانه‌ای مصوب سال ۱۳۸۸، جرایمی که در فضای مجازی اتفاق می افتد، احصا شده است. نکته شایان توجه در این قانون، ذکر نشدن نشریات الکترونیکی است، اما مقررات این قانون به نشریات الکترونیکی نیز تسری داده می شوند؛ چرا که محیط فعالیت این گونه رسانه‌های خبری، فضای سایر است.^۱ آن دسته از جرایمی که امکان انتشار در فضای مجازی را از طریق نشریات الکترونیکی دارند، می توان به شرح ذیل احصا کرد: ۱. تولید، ارسال، انتشار و توزیع محتویات مستهجن (ماده ۱۴)؛ ۲. انتشار فیلم یا صوت یا تصویر دیگری که موجب هتک حیثیت شخص شود (ماده ۱۶)؛ ۳. افشای اسرار خانوادگی و شخصی (ماده ۱۷)؛ ۴. نشر اکاذیب (ماده ۱۸).

قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ از دیگر قوانین اعمال‌شدنی بر مطبوعات است. این قانون در بسیاری موارد، جرایمی را در نظر گرفته است که هرچند در قانون مطبوعات ذکر شده از آن‌ها نرفته است، مطبوعات نمی توانند آن‌ها را مرتکب شوند. لذا در صورت ارتكاب، منطقی است که جرم مطبوعاتی تلقی شوند. بنابراین می توان گفت که مقررات این قانون درباره نشریات الکترونیکی نیز اجراشدنی است (قانون مطبوعات، ماده ۱، تبصره ۳-۴).

شایان ذکر است که مطبوعات و نشریات چاپی با توجه به تبصره ۲ ماده ۱ قانون مطبوعات، باید برای شروع فعالیتشان، از هیئت نظارت بر مطبوعات پروانه بگیرند. با توجه به اینکه ماده ۱ قانون مطبوعات در ذیل تبصره ۴ مقرر داشته است که هیئت نظارت بر خبرگزاری‌ها همان هیئت نظارت بر مطبوعات خواهد بود، خبرگزاری‌ها و نشریات الکترونیکی نیز برای اینکه از امتیازات قانون مطبوعات برخوردار گردند،

۱. قوانین و مقررات کیفری دیگری نیز وجود دارند که بر نشریات الکترونیکی اعمال می شوند؛ مانند قانون ممنوعیت وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی از چاپ و انتشار نشریات غیر ضروری، مصوب سال ۱۳۶۵ و دیگر قوانین مشابه آن‌ها که نشریات الکترونیکی نیز مشمول مقررات این قوانین می گردند.

فعالیتشان منوط به اخذ مجوز از هیئت نظارت است. در غیر این صورت از شمول قانون مطبوعات خارج می‌گردند و تابع قوانین عمومی خواهند شد. به عبارت دیگر در صورت ثبت نشدن نشریات الکترونیکی توسط هیئت نظارت بر نشریات، قوانین کیفری حاکم بر نشریات الکترونیکی، قانون مجازات اسلامی و قانون جرایم رایانه‌ای خواهد بود.^۱

۳. مجازات

در ادامه به ارائه راه حل مناسب در ارتباط با خلأهای قانونی معطوف به مجازات و حل تعارض در اعمال مجازات‌های مختلف درباره جرایم ارتكابی در مطبوعات پرداخته می‌شود. اینکه در تعارض مجازات‌های متفاوت از دو قانون - برای مثال قانون مجازات اسلامی و مطبوعات - راجع به یک عنوان مجرمانه ارتكابی در حوزه مطبوعات، به کدام یک از عناوین مزبور باید استناد کرد، موضوعی تأمل برانگیز است. بدیهی است که امکان هر دو قانون و تمامی مجازات‌های مقرر در آن‌ها وجود ندارد؛ زیرا موجب تضییع حقوق متهم می‌شود و از حیث موازین حقوق کیفری، اعمال شدنی نیست.

در پاسخ به معضل حل تعارض در ارتباط با اعمال مجازات، مجازات مقرر در قانون مطبوعات را باید ارجح دانست؛ خواه جرم ارتكابی در مطبوعات چاپی و یا الکترونیکی واقع شده باشد؛ زیرا فلسفه جرم‌انگاری و تعیین مجازات در قانون مطبوعات به عنوان قانونی خاص، اراده مقنن را در تبعیت از قانون مزبور مبرهن می‌سازد؛ برای مثال اگر جرم انتشار تصاویر خلاف عفت عمومی در مطبوعات الکترونیکی واقع شود، مستند به ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای که هم‌اکنون به قانون مجازات اسلامی اضافه شده است، مجازات آن پنج تا چهل میلیون ریال جزای نقدی یا حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا هر دو و در صورت ویژگی خاص، تا افساد

۱. باید توجه داشت که طبق ماده ۱۱ قانون مطبوعات، اعطای مجوز فعالیت، تشخیص صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول و همچنین لغو پروانه در صلاحیت هیئت مذکور است. لذا طبق تبصره ۳ ماده ۱ قانون مطبوعات، اعطای مجوز به نشریات الکترونیکی نیز از سوی هیئت نظارت امکان‌پذیر است.

فی الارض یعنی اعدام خواهد بود؛ زیرا این جرم در فضای مجازی واقع شده است و ماده مزبور بر آن حاکم است.^۱ از سوی دیگر، مستند به بند ۲ و تبصره ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات، مجازات مرتکب ۲ ماه تا ۲ سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه و یا هر دو است.

در فرض مزبور، با توجه به اینکه نشر اکاذیب در مطبوعات واقع شده است، مجازات اخیرالذکر بر مرتکب تحمیل می‌شود؛ زیرا همان گونه که در صدر کلام ذکر شد، قانون مطبوعات خاص است و فلسفه جرم‌انگاری در آن با عنایت به اصل آزادی مطبوعات و لزوم توسعه آزادی بیان و تعاطی افکار و اندیشه‌ها از طریق مطبوعات است و تعیین مجازات در این قانون، ملاک عمل قضات در ارتباط با جرایم ارتكابی در مطبوعات خواهد بود.

همچنین اگر عملی در قانون مطبوعات جرم‌انگاری شده، ولی میزان مجازات آن ضمن جرم‌انگاری در ماده مربوط، معین نشده باشد، مجازات مرتکب، طبق ماده ۳۵ قانون مطبوعات تعیین می‌شود. طبق صدر ماده مزبور، تخلف از مقررات قانون مطبوعات جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون، برای آن مجازات تعیین نشده باشد، به یکی از مجازات‌های مذکور در این ماده

۱. قانون جرایم رایانه‌ای، ماده ۱۴: «هر کس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده، محتویات مستهجن را تولید، ارسال، منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد ارسال یا انتشار یا تجارت، تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از ۵ تا ۴۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- ارتكاب اعمال فوق در خصوص محتویات مبتذل موجب محکومیت به حداقل یکی از مجازات‌های فوق می‌شود. محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه‌ها و صور قبیحه باشد.

تبصره ۲- هرگاه محتویات مستهجن به کمتر از ۱۰ نفر ارسال شود، مرتکب به ۱ تا ۵ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره ۳- چنانچه مرتکب، اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده باشد یا به طور سازمان‌یافته مرتکب شود، چنانچه مفسد فی الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

تبصره ۴- محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیر واقعی اطلاق می‌شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.»

محکوم می‌شود؛^۱ برای مثال طبق ماده ۷ چاپ و انتشار نشریه‌ای که پروانه آن صادر نشده و یا پروانه آن لغو گردیده، جرم‌انگاری شده، اما مجازات آن در ماده ۷ و قانون مجازات اسلامی مقرر نشده است و میزان مجازات طبق ماده ۳۵ تعیین خواهد شد. با این حال، توهین به مقدسات اسلام، در ماده ۲۶ قانون مطبوعات جرم‌انگاری، ولی در این ماده میزان مجازات آن پیش‌بینی نشده است. با توجه به اینکه توهین به مقدسات اسلام، مطابق ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱ تا ۵ سال حبس تعزیری است، میزان مجازات مرتکب، طبق ماده مزبور تعیین خواهد شد.

ب) مقررات شکلی حاکم بر نشریات الکترونیکی

پس از بررسی ماهوی جرایم ارتكابی نشریات الکترونیکی از منظر حقوق کیفری ایران، اینک به بررسی شکلی این جرایم می‌پردازیم؛ چرا که رسیدگی به جرایم ارتكابی نشریات و مطبوعات، در دادگاه صالح به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه صورت می‌گیرد. لذا در این بخش از مقاله به بررسی مقررات کیفری شکلی جرایم مطبوعاتی از جمله وجود دادگاه صالح برای رسیدگی و همچنین علنی بودن محاکم و حضور هیئت منصفه در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و نیز تسری این ارفاقات در دادرسی به نشریات الکترونیکی مجاز خواهیم پرداخت؛ با این توضیح

۱. قانون مطبوعات، ماده ۳۵: «تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد، متخلف به یکی از مجازات‌های ذیل محکوم می‌شود:

الف- جزای نقدی از ۱ میلیون تا ۲۰ میلیون ریال.

ب- تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه‌ها و حداکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات.

تبصره- دادگاه می‌تواند در جرایم مطبوعاتی مجازات حبس و شلاق را به یکی از مجازات‌های ذیل تبدیل نماید:

الف- جزای نقدی از ۲ میلیون تا ۵۰ میلیون ریال.

ب- تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه‌ها و تا یک سال در مورد سایر نشریات.

ج- محرومیت از مسئولیت‌های مطبوعاتی حداکثر تا پنج سال».

که با توجه به تبصره ۲ ماده ۱ قانون مطبوعات ۱۳۷۹ در صورتی که نشریه‌ای از هیئت نظارت بر مطبوعات مجوز نگیرد، مشمول مقررات قانون مطبوعات نخواهد گردید و در نتیجه در صورت خروج نشریات الکترونیکی از قلمرو قوانین مطبوعات، آیین دادرسی ناظر بر رسیدگی به جرایم این نشریات، آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ خواهد بود و از امتیاز علنی بودن و حضور هیئت منصفه در جریان رسیدگی محروم خواهند بود.

۱. مرجع صالح رسیدگی به جرایم مطبوعاتی

«صلاحیت» در لغت به معنای شایسته بودن است و در حقوق، «شایستگی و اختیاری است که به موجب قانون برای مراجع جزایی، جهت رسیدگی به امور کیفری واگذار شده است» (آخوندی، ۱۳۸۶: ۲۷). به عبارت دیگر، صلاحیت، توانایی و الزام قانونی است که برای رسیدگی به دعاوی و شکایات به دادگاه اعطا می‌شود. بر اساس قانون اساسی، رسیدگی به دعاوی و شکایات و اختلافات در صلاحیت دادگستری است. اصل ۱۵۹ قانون اساسی مقرر داشته است:

مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است.

بنابراین زمانی که قانون، دادگاهی را برای رسیدگی به دعاوی صالح تشخیص دهد، قاضی مکلف است این حدود قانونی را رعایت کند؛ یعنی اولاً به همه اختلافاتی که در حدود صلاحیت اوست، رسیدگی کند و حق امتناع از رسیدگی ندارد و ثانیاً به تمامی اختلافات و دعاوی که از صلاحیت او خارج است، رسیدگی نکند و گرنه اقدام او تخلف محسوب می‌شود و رسیدگی او باطل و بلااثر است.

یکی از مباحث مهم درباره جرایم مطبوعاتی، تعیین مرجع صالح برای رسیدگی است. در حقوق ایران، مراجعی گوناگون برای رسیدگی به اتهامات و جرایم مختلف در نظر گرفته شده است. در ادامه، جایگاه هر یک از این مراجع را از نظر صلاحیت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی بررسی می‌کنیم.

هیئت نظارت بر مطبوعات^۱

هیئت نظارت بر مطبوعات، مرجعی نظارتی و اداری - اجرایی است که علاوه بر نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات حرفه‌ای، به پاره‌ای تخلفات صنفی و حرفه‌ای نیز رسیدگی می‌کند و ضمانت‌های اجرایی نیز برای اجرای فرامین و نظارت خود در نظر می‌گیرد. اما مهم‌ترین مطلبی که دربارهٔ این مقام نظارتی باید گفت، حدود اختیارات آن است؛ چه در برخی مواقع، اختیاراتی می‌یابد که به نوعی تجاوز به وظایف و اختیارات محاکم دادگستری تلقی می‌گردد؛ برای نمونه، مطابق تبصره ماده ۱۱ قانون مطبوعات، اختیار لغو پروانه نشریه به دلیل از بین رفتن یکی از شرایط مقرر در ماده ۹ دربارهٔ صاحب پروانه به این هیئت واگذار شده است و یا اختیار توقیف نشریه طبق تبصره ماده ۱۲ این قانون به هیئت نظارت بر مطبوعات واگذار شده است. بنابراین به نظر می‌رسد که توقیف و لغو پروانه نشریه فراتر از وظایف نظارتی آن است؛ چرا که هر دو حکم نیاز به بررسی دقیق حقوقی دارند. بنابراین شایسته است که با ارائه تعریفی قانونی از تخلفات مطبوعاتی و جرایم مطبوعاتی آن‌ها را از یکدیگر مجزا کنیم و سپس در پاره‌ای موارد به هیئت نظارت این حق اعطا شود که پس از بررسی تخلف، نشریه را موقتاً توقیف کند و پرونده را به دادگاه صالح ارجاع دهد. در واقع، این موارد باید محدود باشند و اصولاً اجازه لغو امتیاز نشریه از صلاحیت این هیئت خارج باشد؛ زیرا لغو امتیاز نشریه باید در دادگاه صالح و با حضور هیئت منصفه بررسی شود و حکم مقتضی صادر گردد و صرف حضور مقام قضایی در هیئت نظارت برای این امر، کافی نیست (ر.ک: صالحی انصاری، ۱۳۸۵: ۹۰-۹۱).

۱. این هیئت که مستقر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، مطابق ماده ۱۰ قانون مطبوعات اصلاحی سال ۱۳۷۹ مرکب از ۷ نفر است و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ریاست آن را بر عهده دارد. این ۷ نفر که افرادی مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و وفادار به انقلاب اسلامی می‌باشند، عبارتند از: الف- یکی از قضات به انتخاب رئیس قوه قضائیه. ب- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده تام‌الاختیار وی. ج- یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس. د- یکی از استادان دانشگاه به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی. ه- یکی از مدیران مسئول مطبوعات به انتخاب آنان. و- یکی از استادان حوزه علمیه به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه قم. ز- یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب آن شورا.

دادگاه کیفری استان

طبق تبصره ماده ۴ اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸، «... رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی... در دادگاه کیفری استان به عمل خواهد آمد...». همچنین تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون مذکور در همین باره مقرر می‌دارد:

رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی، ابتدائاً در دادگاه تجدیدنظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور «دادگاه کیفری استان» نامیده می‌شود... دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی با حضور هیئت منصفه تشکیل خواهد شد.

پرسشی که در زمینه تعارض حل صلاحیت دادگاه کیفری استان با محاکم اختصاصی در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی مطرح است، اینکه اگر فردی روحانی یا نظامی، جرمی مطبوعاتی را مرتکب شود و یا جرم مذکور در زمره جرایمی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب است، این جرم باید در دادگاه ویژه روحانیت، نظامی، انقلاب بررسی شود یا در دادگاه کیفری استان؟

در پاسخ به این پرسش لازم است که به حل تعارض در صلاحیت دادگاه کیفری استان با هر یک از مراجع مزبور، به طور جداگانه پرداخت.

حل تعارض با دادگاه ویژه روحانیت

دادگاه ویژه روحانیت از محاکمی است که از مجموعه قوه قضاییه خارج است و زیر نظارت عالی مقام رهبری قرار دارد (آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت، ماده ۱) و به حکم حاکم شرع در سال ۱۳۶۶، برای رسیدگی به جرایم روحانیان در نظر گرفته شده است. ماده ۱۳ آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت مقرر می‌دارد:

دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت در موارد ذیل صالح به رسیدگی می‌باشند:
الف- کلیه جرایم عمومی روحانیون. ب- کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون.
ج- کلیه اختلافات محلی محل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف

روحانی باشد. د- کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود.

بنا بر مفاد این آیین‌نامه، هر گاه - برای مثال - مدیر مسئول نشریه‌ای، فردی روحانی باشد و مرتکب جرمی مطبوعاتی گردد، دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت برای رسیدگی صلاحیت دارند. اما در این باره که آیا حضور هیئت منصفه در خصوص رسیدگی به جرایم مطبوعاتی روحانیان الزامی است یا خیر؟ باید گفت که با توجه به تصریح قانون اساسی و قانون مطبوعات، حضور هیئت منصفه در دادگاه‌های ویژه روحانیت ضروری است و این الزام تکلیفی قانونی است؛ زیرا اگر جز این باشد، دادگاه رسمیت نمی‌یابد و تصمیم‌گیری چنین دادگاهی نیز اعتبار قانونی نخواهد داشت. برای رفع تمامی این ابهامات می‌توان به استفساریه مقام معظم رهبری در این باره استناد کرد.^۱

۱. متن استفساریه بدین شرح است: «محضر مبارک حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی دام ظلّه العالی: پس از سلام و آرزوی سلامت و توفیق برای وجود مبارک به استحضار می‌رساند: اخیراً گزارشاتی در مورد تخلفات برخی از روحانیون شاغل یا مسئول در مطبوعات واصل شده است که با نوشتن یا انتشار مطالبی حاوی توهین یا خلاف واقع، موجب بروز تشنج در جامعه می‌گردند. لذا استدعا می‌شود نظر مبارک را در موارد زیر اعلام فرماید:

س ۱- آیا رسیدگی به تخلفات و جرایم روحانیون در رابطه با مسائل مطبوعاتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت می‌باشد یا خیر؟
پاسخ- بسمه تعالی. کلیه جرایم و تخلفات سیاسی روحانیون و آنچه موجب خدشه در حیثیت روحانیت است، باید در آن دادگاه ویژه رسیدگی شود.

س ۲- در صورت رسیدگی در این مرجع قضایی آیا حضور هیئت منصفه در دادگاه ضرورت دارد؟
پاسخ- اگر ترکیب هیئت منصفه از روحانیون مورد تأیید دادستان و رئیس دادگاه باشد، حضور آن مفید است.

س ۳- آیا تشکیل جلسات دادگاه ویژه بایستی با حضور وکیل مدافع باشد یا با توجه به هدف تشکیل دادگاه که حفظ شئون روحانیت است، دادگاه می‌تواند از پذیرش وکیل خودداری نماید؟
پاسخ- حضور وکیل، مفید، بلکه لازم است. دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را به عنوان وکیل مشخص کند تا از میان آنان به انتخاب متهم، وکیل تعیین شود.

س ۴- در بعضی موارد درخواست تشکیل دادگاه علنی می‌شود که به نظر دادگاه، احتمال ایجاد تشنج و جوسازی از طریق حضور افراد غیر لازم وجود دارد. تشخیص علنی یا مخفی بودن دادگاه با چه مرجعی است؟

پاسخ- تشخیص علنی بودن دادگاه با رئیس دادگاه است. خداوند شما را مشمول کمک و هدایت و ثواب خود قرار دهد».

حل تعارض با دادگاه انقلاب

صلاحیت دادگاه انقلاب در ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مذکور است.^۱ حال اگر شخصی مرتکب جرم اقدام علیه امنیت از طریق مطبوعات شود، برای مثال به اتهام تبلیغ علیه نظام در مطبوعات چاپی و یا الکترونیکی تحت تعقیب قرار گیرد، دادگاه انقلاب، صلاحیت رسیدگی دارد یا دادگاه کیفری استان؟ در پاسخ به این سؤال، رویه قضایی در موارد تعارض صلاحیت دادگاه انقلاب با دادگاه کیفری استان، رویه ای یکسان پیش نگرفته است، بدین معنا که طبق رأی وحدت رویه شماره ۶۵۱-۱۳۷۹/۸/۳۰، دیوان عالی کشور در تعارض بین صلاحیت دادگاه اطفال به عنوان شعبه‌ای از دادگاه عمومی، و دادگاه انقلاب درباره اتهام به ارتکاب قاچاق مواد مخدر، صلاحیت دادگاه اطفال را تأیید کرده است که در نهایت، در صورتی که طفل بالغ زیر ۱۸ سال، به یکی از جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری استان متهم باشد، رسیدگی به اتهام وی طبق رأی وحدت رویه شماره ۶۸۷-۱۳۸۵/۳/۲ به دادگاه کیفری استان واگذار می‌شود.

در رأی وحدت رویه دیگر به شماره ۶۶۴-۱۳۸۲/۱۰/۳۰، دیوان عالی کشور در تعارض صلاحیت بین دادگاه انقلاب و کیفری استان، راجع به اتهام قاچاق مواد مخدر با مجازات اعدام نسبت به اشخاص بزرگسال، صلاحیت دادگاه انقلاب را تأیید کرده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که رویه قضایی، راجع به حل تعارض صلاحیت دادگاه انقلاب و کیفری استان، متفاوت عمل کرده است. با وجود این، در تعارض بین صلاحیت دادگاه انقلاب و کیفری استان در رسیدگی به

۱. ماده ۵: «به تعداد مورد نیاز دادگاه‌های انقلاب، در مرکز هر استان و مناطقی که ضرورت تشکیل آن را رئیس قوه قضاییه تشخیص می‌دهد تحت نظارت و ریاست اداری حوزه قضایی تشکیل می‌گردد، و به جرایم زیر رسیدگی می‌نماید:

- ۱- کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض؛
- ۲- توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری؛
- ۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام؛
- ۴- جاسوسی به نفع اجانب؛
- ۵- دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی».

جرایم مطبوعاتی، باید به صلاحیت دادگاه کیفری استان اظهار نظر کرد؛ زیرا رسیدگی به اتهام جرایم مطبوعاتی با ویژگی‌های خاص مثبت، بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی و قانون مطبوعات است. این ویژگی‌ها با هدف حفظ آزادی مطبوعات و حمایت از متهمان مطبوعاتی است و در تفسیر و تبیین مواد قانون کیفری باید به منافع و مصالح متهمان و عموم جامعه مطبوعاتی در قانون مطبوعات توجه کرد.

حل تعارض صلاحیت دادگاه‌های نظامی

رسیدگی به اتهام نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، در خصوص جرایم خاص نظامی و انتظامی در دادسرا و دادگاه نظامی صورت می‌گیرد (قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، مصوب سال ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: ماده ۱). در صورتی که فرد نظامی، متهم به ارتکاب جرم نظامی باشد؛ یعنی جرمی که در ارتباط با حوزه وظایف و مسئولیت‌های نظامی اوست و در عین حال، وصف جرم مطبوعاتی اعم از مطبوعات چاپی و یا الکترونیکی را نیز داشته باشد، صلاحیت دادگاه نظامی در رسیدگی به این جرم، مستقر است یا دادگاه کیفری استان؟ استدلالی که در زمینه تعارض دادگاه انقلاب و کیفری استان در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی مطرح شد، در این باره نیز مطرح است؛ به این معنا که با هدف حمایت از آزادی مطبوعات و ویژگی‌های مثبت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، قائل به صلاحیت دادگاه کیفری استان باید بود. وانگهی جرم عضوی از اعضای نیروهای مسلح که وصف نظامی دارد، به دلیل ارتکاب آن از طریق مطبوعات - اعم از چاپی و یا الکترونیکی - تغییر ماهیت می‌دهد و نمی‌توان به آن جرم نظامی اطلاق کرد، بلکه ماهیت آن مبدل به جرم مطبوعاتی می‌شود. لذا از این حیث، اظهار نظر مزبور در مغایرت با اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی^۱ که رسیدگی به جرایم نظامی را در صلاحیت ویژه

۱. اصل ۱۷۲: «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محاکم نظامی، مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی بخشی از قوه قضاییه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.»

دادسرا و دادگاه نظامی می‌داند، نیست. بیان این نکته خالی از فایده نیست که اگر فرد نظامی سر تیپ به بالا، متهم به ارتکاب جرمی مطبوعاتی باشد، مطابق تبصره ماده ۴ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱، رسیدگی به اتهام او در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران خواهد بود و اگر درجه او پایین‌تر از سر تیپ باشد، دادگاه کیفری استان محل وقوع جرم مطبوعاتی، صلاحیت رسیدگی خواهد یافت.

۲. علنی بودن رسیدگی

امروز یکی از مؤلفه‌های مهم دادرسی منصفانه، اصل علنی بودن رسیدگی در دادگاه است. این اصل از تضمینات مهم امنیت قضایی است؛ زیرا مردم می‌توانند در جلسات دادرسی حضور یابند، در جریان محاکمات قرار گیرند و در یک دایره عمومی، منصفانه بودن آن را ارزیابی کنند (امیدی و نیکویی، ۱۳۸۷: ۲۴/۳). علاوه بر سلامت دادرسی، می‌توان فوایدی دیگر همچون کنترل قاضی با نظارت همگانی، دور نگه داشتن دستگاه قضا از مظان اتهام و پیش‌دوری، جلب اعتماد مردم و بالا رفتن اطلاعات حقوقی آنان را بیان کرد (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۰۳). با توجه به اصل ۱۶۸ قانون اساسی می‌توان یکی از وجوه تمایز آیین رسیدگی جرایم مطبوعاتی را با دیگر جرایم، لزوم مطلق علنی بودن رسیدگی دانست؛ چرا که اصل ۱۶۵ قانون اساسی و همچنین ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۷ نیز با وجود اینکه اصل را بر علنی بودن محاکمات قرار داده است، ذیل این اصل، استثنائاتی را نیز بیان کرده، در حالی که اصل ۱۶۸ قانون اساسی که در خصوص جرایم سیاسی و مطبوعاتی مقرر گردیده

۱. اصل ۱۶۵: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

ماده ۱۸۸: «محاکمات دادگاه علنی است به استثنای موارد زیر به تشخیص دادگاه: ۱. اعمال منافی عفت و جرایمی که بر خلاف اخلاق حسنه است، ۲. امور خانوادگی یا دعاوی خصوصی به درخواست طرفین، ۳. علنی بودن محاکمه، مخل امنیت یا احساسات مذهبی باشد».

است، شیوه‌ای افتراقی در پیش گرفته و علنی بودن را به صورت مطلق و بدون هیچ محدودیتی بیان کرده است.

البته دو نظر در خصوص اطلاق این مسئله بیان شده است؛ یک نظر، پذیرش مطلق اصل علنی بودن رسیدگی‌های مطبوعاتی را غیر منطقی دانسته است؛ زیرا در بعضی پرونده‌ها مصالح افراد یا کشور، غیر علنی بودن این محاکمات را ایجاب می‌کند (همان: ۱۰۳). نظر دیگر در تقابل با نظر اول بیان می‌دارد که چون ارتکاب جرم به صورت علنی و از طریق نشریه بوده است، محاکمه آن نیز باید علنی باشد تا از شاکه‌ی به صورت علنی اعاده حیثیت شود (عمیقی، ۱۳۸۳: ۲۱)، لذا حتی دادگاه حق ندارد از علنی بودن محکمه جلوگیری کند. این تأکید از آن روست که در جرایم مطبوعاتی، دولت خود طرف دعوی تلقی می‌شود و با حضور هیئت منصفه و نظارت مردم، اقتدارات بالقوه دولت در برابری این حضور و نظارت قرار می‌گیرد و از مفاسد احتمالی آن جلوگیری می‌شود (انصاری لاری، ۱۳۷۵: ۱۴۴). بنابراین با توجه به دیدگاه‌های بیان شده، علنی بودن محاکمات مطبوعاتی امری منطقی به نظر می‌رسد و چون نشریات الکترونیکی نیز رسالت نشریات غیر الکترونیکی را بر عهده دارند و همچنین تمامی فعالیت آن‌ها نیز تحت شمول قانون مطبوعات است، رسیدگی به جرایم ارتكابی آنان نیز مانند مطبوعات به صورت علنی خواهد بود.

۳. حضور هیئت منصفه در رسیدگی

هیئت منصفه جمعی متشکل از افراد عادی از اقشار مختلف جامعه است که در کنار قضات در امر رسیدگی کیفری دخالت دارد. در ایران، هیئت منصفه از زمان تصویب قانون اساسی مشروطه تا کنون وجود داشته است اما وجود آن در رسیدگی‌های کیفری صرفاً محدود به جرایم سیاسی و مطبوعاتی بوده است (خالقی، ۱۳۸۹: ۳۴۴). قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در قوانینی مختلف به این امر پرداخته شده است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطه؛ ۲. قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۱؛ ۳. مواد ۹ و ۱۰ قانون محاکمه وزرا و هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۷؛ ۴. قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۱۰؛

۵. فصل پنجم لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱؛ ۶. فصل پنجم قانون مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ (در این باره و مطالعه بیشتر ر.ک: صبری، ۱۳۸۴: ۴۲-۵۰).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز قوانینی مختلف در زمینه هیئت منصفه به ترتیب زیر به تصویب رسید: ۱. اصل ۱۶۸ قانون اساسی؛ ۲. مواد ۳۱ تا ۳۸ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸؛ ۳. ماده ۱۳ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مصوب ۱۳۶۰؛ ۴. ماده ۳۴ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴؛ ۵. مواد ۳۶ تا ۴۸ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹؛ ۶. قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲.

قانون اساسی که مهم‌ترین و برترین قانون است و مقررات دیگر ملزم به تبعیت از اصول این قانونند، در اصل ۱۶۸ مقرر داشته است:
رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی... با حضور هیئت منصفه... صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه... را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

لذا به دلیل اینکه جرایم مطبوعاتی با وجدان عمومی جامعه ارتباط دارند، شایسته است که نمایندگان از اقشار مختلف جامعه به عنوان نمایندگان وجدان عمومی مردم، در محاکمات مطبوعاتی حضور داشته باشند و به قاضی در صدور رأی به حق و عدالت یاری رسانند. حضور هیئت منصفه نیز همانند دیگر ارفاقات و تضمینات دادرسی دعاوی مطبوعاتی در خصوص رسیدگی به جرایم ارتكابی نشریات الکترونیکی نیز بر اساس مواد ۳۶ تا ۴۸ قانون مطبوعات مجری است؛ زیرا فلسفه وجودی هر دوی این رسانه‌ها اطلاع‌رسانی و تنویر افکار عمومی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نشریات الکترونیکی همانند مطبوعات می‌توانند عملکردی مثبت یا منفی داشته باشند؛ چه در کنار انتشار اخبار و اطلاعات و ارتقای آگاهی‌های عمومی و تحقق جریان آزاد اطلاعات، تهدیدکننده و مایه نگرانی جامعه نیز می‌توانند باشند. لذا با توجه به اینکه محیط فعالیت نشریات الکترونیکی، فضای سایبر است و دامنه انتشار

فعالیت‌ها در فضای سایبر در ارسال اطلاعات و پیام، بسیار گسترده است، هیچ‌گونه حدود و ثغوری برای ارسال پیام‌ها و دریافت آنان وجود ندارد. از این رو، بسیاری از کشورها به فکر ایجاد مقرراتی در این خصوص افتادند؛ چرا که در بسیاری موارد، اتفاق می‌افتد که فعالیتی در محیط سایبر سبب ارتکاب جرایم و تخلفاتی شود؛ مانند تجاوز به حریم خصوصی، نشر اکاذیب، جعل، کلاهبرداری. بنابراین ضروری است که جرایم ارتكابی این رسانه‌ها جرم‌انگاری شوند. در مورد نشریات الکترونیکی، تبصره ۳ ماده ۱ قانون مطبوعات تکلیف را تا اندازه‌ای روشن ساخت و در سال ۱۳۸۸ نیز قانون جرایم رایانه‌ای به تصویب رسید. در این قانون، جرایمی که قابل ارتکاب در فضای سایبر بود، جرم‌انگاری گردید و مجازاتی برای آن در نظر گرفته شد. لذا در رسیدگی به جرایم ارتكابی در فضای سایبر به نوعی که وسیله ارتكاب آن جرایم، نشریات الکترونیکی باشند، علاوه بر مقررات کیفری عام (یعنی قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات)، مقرراتی با عنوان جرایم رایانه‌ای نیز که در خصوص فضای سایبر و جرایم ارتكابی در این محیط به تصویب رسیده است، باید اجرا شود، اما نکته اساسی این است که برای تشخیص جرم بودن فعل یا ترک فعل نشریات الکترونیکی می‌توان به قوانینی نظیر قانون مجازات اسلامی یا قانون جرایم رایانه‌ای متوسل شد اما به دلیل اینکه وسیله ارتكاب جرم، نشریه الکترونیکی است، قانون مطبوعات، حاکم خواهد بود و مجازات آن نیز مطابق تبصره ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات و همچنین ماده ۳۵ قانون مذکور بررسی می‌گردد.

مقررات شکلی رسیدگی به جرایم مطبوعاتی از جمله دادگاه صالح و حضور هیئت منصفه و علنی بودن محاکم نیز بر رسیدگی به جرایم ارتكابی نشریات الکترونیکی حاکم خواهد بود؛ بدین معنا که دادگاه کیفری استان صلاحیت رسیدگی به این جرایم را بر عهده خواهد داشت مگر اینکه در مواردی خاص، دادگاه نظامی یا دادگاه ویژه روحانیت به جهت صلاحیت شخصی، رسیدگی به این جرایم را بر عهده گیرند. درباره هیئت منصفه نیز باید گفت که رسیدگی به جرایم ارتكابی نشریات الکترونیکی در حضور هیئت منصفه یعنی نمایندگان قاطبه افراد جامعه به صورت علنی صورت خواهد گرفت.

به طوری که ملاحظه شد، طبق قانون مطبوعات، قوانینی متعدد از حیث جرم‌انگاری و تعیین مجازات بر جرایم ارتكابی مطبوعات اعم از چاپی و الکترونیکی حاکم است و این امر می‌تواند موجب پراکندگی آرای قضات و ابهام در تفسیر قوانین موجود باشد. لذا پیشنهاد خاص نویسندگان این مقاله، تصویب قانونی جامع در زمینه جرم‌انگاری تعیین کیفر و مقررات شکلی رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، اعم از چاپی و الکترونیکی است.

کتاب‌شناسی

۱. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری؛ سازمان و صلاحیت مراجع کیفری*، چاپ دهم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۲. اسحاقی، محمد، «تکالیف و جرایم رسانه‌های الکترونیک»، پژوهش و سنجش، شماره‌های ۳۹-۴۰، ۱۳۸۳ ش.
۳. امیدی، جلیل، و سمیه نیکویی، «تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، شماره ۳، سال ۱۳۸۷ ش.
۴. انصاری لاری، محمدابراهیم، *نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران*، سروش، ۱۳۷۵ ش.
۵. انصاری، باقر، *حقوق ارتباط جمعی*، چاپ دوم، تهران، سمت، ۱۳۸۷ ش.
۶. خالقی، علی، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ هشتم، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۹ ش.
۷. شیخ‌الاسلامی، عباس، *جرایم مطبوعاتی، بررسی تطبیقی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان*، مشهد جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰ ش.
۸. صالحی انصاری، محمدجواد، *دادگاه مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۹. صبری، نورمحمد، *هیئت منصفه (مطالعه تطبیقی)*، تهران، میزان، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. عمیقی، ابراهیم، *جرم مطبوعاتی*، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳ ش.
۱۱. گلدوزیان، ایرج، *حقوق جزای عمومی ایران*، چاپ هشتم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ ش.
۱۲. معاونت آموزش قوه قضاییه، *بررسی تحلیلی جرایم مطبوعاتی*، تهران، جاودانه، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. معتمدنژاد، کاظم، *حقوق مطبوعات؛ بررسی تطبیقی مبانی حقوقی آزادی مطبوعات و مقررات تأسیس آن‌ها*، چاپ پنجم، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۷ ش.

موجز المقالات

الصلاحية المبنية على تابعة المجنيّ عليه مركّزة على القانون الجزائي الإسلاميّ الحديث

- حسين ميرمحمدصادقي (أستاذ بجامعة الشهيد بهشتي)
- علي إيزديار (طالب في مرحلة الماجستير بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام)

يعتبر مبدأ الأهلية المبنية على تابعة المجنيّ عليه أحد المبادئ المثيرة للجدل من بين الأصول الحاكمة على تعيين الأهلية الجزائية في القانون الجزائيّ الدوليّ. هذه الأهلية التي لزاله لها موافقون ومخالفون كثيرون قد سلّمت لأول مرة في القانون الإيرانيّ كمبدأ شامل في المادة الثامنة من قانون العقوبات الإسلامية المصادق عليها عام ١٣٩٢ ولا شكّ عن هذا الأمر يعتبر أحد الزوايا الحديثة من هذا القانون؛ لأنّه قبل المصادقة عليها كان الاتجاه القانونيّ الإيرانيّ بصورة عامّة - طيلة حوالي مائة سنة من التشريع - متمحورة على عدم قبول هذه الأهلية إلا في موارد نادرة جداً. قد حاولنا في هذه المقالة إضافة إلى بيان مفهوم هذه الأهلية وظروف وشروط إعمالها أن ندرس ونعالج أدلّة موافقيها ومخالفها مستقلة كما ناقشنا الاتجاه القانونيّ الإيرانيّ بالنسبة إلى هذه الأهلية قبل قانون العقوبات

الإسلامية وبعده وفي الأخير قد بينا حدود و ثغور إعمال المادة الثامنة من القانون المزبور.
المفردات الرئيسة: الأهلية الجزائية الدولية، الحقل المكاني لقانون العقوبات،
الأهلية الشخصية، تابعة المجني عليه، قانون العقوبات الدولي.

دراسة موجزة للقوانين الجزائية الماهوية والشكلية السائدة

على الصحف الإلكترونية في قانون إيران

- حسنعلي مؤذن زادگان (أستاذ مشارك بجامعة العلامة الطباطبائي)
- زهرا علي بخشي (ماجستير قانون الاتصالات)

بما أن الصحف والمجلات منذ سالف الزمن كانت في بلادنا أحد أهم وسائل الإعلام وكذلك الركن الرابع للديموقراطية لا زالت كانت مطمح نظر للمقنن وصدرت أحكام من ناحية المقنن بشأن الانتهاكات والجرائم المرتكبة. لكن اليوم ناظر إلى تنمية النشاطات في الحقل الإلكتروني وظهور الصحف والمجلات الإلكترونية وعدم قوانين معينة حول هذا القسم من الصحف يطرح السؤال التالي وهو أنه هل يمكن تعميم الضوابط والقوانين الخاصة بالصحافة المطبوعة إلى مجال الصحافة الإلكترونية وهل الشروط الموجودة حول محاكمة الصحافة المطبوعة كالعلن وحضور هيئة المحلفين قابلة للعمل في صعيد الصحافة الإلكترونية؟ وثبتت أنه بالرغم من خصائص ومميزات الخاصة للصحف والمجلات الإلكترونية، هذه الصحف تحصى من الشروط والمزايا الخاصة بالصحافة المطبوعة. الشكوك والتساؤلات الموجودة حول كيفية تعميم هذه الضوابط والقوانين إلى الصحافة الإلكترونية ساقطنا إلى مناقشة كيفية تعميم القوانين الماهوية والشكلية الصحافة المطبوعة إلى الصحافة الإلكترونية وقد أزحنا هذه الشكوك على قدر استطاعتنا.

المفردات الرئيسة: الصحف والمجلات غير الإلكترونية، الصحف والمجلات الإلكترونية، المحكمة الصالحة، العن، هيئة المحلفين.

قاعدة مقاضاة العقوبات

- رحيم نوبهار
- أستاذ مساعد بجامعة الشهيد بهشتي

أحد مبادئ القانون الحديث مبدأ إمكان مقاضاة ومناقشة العقوبات وهذا معناه لزوم مداخلة السلطة الصالحة والقانونية في الحكم بالعقوبة وإجرائه. هذا الدراسة وبعد لمحة سريعة، مكانة هذا المبدأ وسيره التاريخي تُرينا أن ضمن التركيز على التعاليم الإسلامية على مفاهيم كالنظم المبني على العدالة والعدالة القضائية وعدم إمكان القضاء للمواطنين غير المحترفين وضرورة وجود النظام في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر ويعتبر قاعدة المقاضاة والمناقشة في العقوبات من القواعد الفقهية الجزائية للإسلام. هذه المقالة تري أن استثناء هذا المبدأ الذي ورد في النصوص الفقهية غير قابلة للدفاع ويفضي إلى مشاكل وأنه فاقد للأدلة المتقنة. ثم ضمن عرض اتجاهات كتطور مفهوم العدالة القضائية، ضرورة رئاسة الدولة الانحصارية للحكم في العقوبة وإجرائه، التطورات المتعلقة بشأن العام والخاص، واعتبار الجريمة والعقوبة عامة في الاتجاهات العقلانية الحديثة، تعتبر قاعدة المقاضاة قاعدة غير قابل للاستثناء. ولا تفوتنا الإشارة إلى أن هذا الفهم من القاعدة متناسق مع مبدأ الاحتياط حول حياة الإنسان الذي ركز الشارع المقدس على احتفاظه.

المفردات الرئيسية: مبدأ إمكان المقاضاة والمناقشة في العقوبات، الفقه الجزائي الإسلامي، حق المحاكمة العادلة، العقوبة مطلقة العنان.

معرفة أقسام السياسة الجزائية الفئبية أمام كتابة المعلومات بالرموز؛ من متطور التحفظ بالحرية والأمن

□ محمد علي حاجي ده آبادي (أستاذ مساعد بجامعة قم)
□ مهدي الخاقاني الإصفهاني (طالب في مرحلة الدكتوراه بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام)

لقد أعرضت الليبرالية الحديثة بعد محو الحدود للتجارة وتفكيك المجال الاقتصادي عن مجال السيطرة السياسية عن مناهج علم الإجرام التأهيلية والمتساهلة وعادت إلى آليات علم الإجرام القمعية الجزائية وزادت على مدى مخاوف حقوق الإنسان. فعليه من اللازم عرض برمجة مناسبة منوعة الأطراف من خلال إيجاد التعامل بين تعاليم القانون الجزائي مع علم الإجرام وحقوق الإنسان والاقتصاد السياسي وكثير من العلوم التي تساعدنا للبلوغ إلى هذا العمل. هذه الدراسة بعد ملاحظة إشكاليات تقابل الخطاب الحرّي والأمني في قانون الغرب ونقض الحقوق الإنسان تستهدف تعميم

هذا التقابل إلى حقل حريم التجارة الإلكترونية (خاصة في صعيد كتابة المعلومات بالرموز) وفي عملية ومسيرة التفكير الديني الحديث في اقتصاد إيران، النموذج الأسفر (النموذج الاحتياطي) في مجال الوقاية وعقوبة الجرائم المتعلقة بالكتابة بالرموز وبإمكاننا أن نعتبر المعلومات الإلكترونية أحد المجالات لمسايرة وتلاؤم قانون إيران مع قانون أوروبا ومع توطين هذا النموذج، نستطيع أن نخطو خطوات أساسية في سبيل تدوين منهج جزائي للبلاد وأن نعتبر النماذج الأحمر (الأمن المطلق) والأخضر (الحرية المطلقة) من قبيل المجالات المنفصلة في النظم القانونية المذكورة. المفردات الرئيسية: علم الإجرام الغربي، الحداثة القانونية، كتابة الرموز، السياسة الجزائية الإسلامية.

العمل والقول المهيج للمجني عليه

في القوانين والضوابط الجزائية والمنهج القضائي لإيران

- عبد الرضا الجوان الجعفري (أستاذ مساعد بجامعة الفردوسي بمشهد)
- فرهاد شاهيده (ماجستير بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام)

المعرفة الدقيقة والشاملة للجريمة تحتاج إلى دراسة جميع الأسباب الدخيلة في ارتكابها وبعبارة أخرى، لا بد للدراسة الكاملة والعلمية للجريمة، إضافة إلى ضرورة ملاحظة المجرم أن نلاحظ الحالة السابقة للمجني عليه وقبل وقوع الجريمة؛ لأن الجريمة وأسباب وقوعها كالحلقات المتصلة بعضها إلى الأخرى والمجني عليه أحد هذه الحلقات. لا ريب أن ملاحظة دور المجني عليه كأحد العوامل الأصلية في وقوع الجريمة وهذه تساعدنا في الوصول إلى الفهم الأحسن والتحليل الأقوى في مسيرة تحقق الجريمة. نحاول في الدراسة الراهنة أن نعالج قانون العقوبات الإسلامية مركزة على الحصائل العلمية المتعلقة بفيكتمولوجي (علم دراسة الأمور المتعلقة بالمجني عليه) في الانتباه إلى قول المجني عليه وسلوكه المهيج ودورهما في تعيين مدى عقوبة الجاني وإمكان تخفيف عقوبته ومع نظرة إلى أسلوب عمل المحاكم.

المفردات الرئيسية: تسريع المجني عليه، العمل والقول المهيج للمجني عليه،

الحالة السابقة على الجنائية، تخفيف عقوبة المجرم.

إحساس عدم الأمن والخوف من وقوع الجريمة

□ أمير باك نهاد

□ أستاذ مساعد في الجامعة الحرّة بشيراز

لا ريب أنّ الإحساس بالخوف من وقوع الجريمة ظاهرة ذاتة وشاملة وأحد المشاكل للمجتمعات الحديثة. هي هنا أسباب شتى في تحقّق هذه الحالة وتشديدها وهي الجنس، العمر وتأريخ مستوى الجريمة وبيئة حياة الشخص. فإنّ الخوف من وقوع الجريمة إذا كان بشكل متعارف وعادل ومناسب لاحتمال وقوع الجناية، طبيعيّ جدّاً وإذا سبّب في اتّخاذ المواطنين إجراءات مناسبة حول التجنّب من وقوع الجناية فإنّ له أثر هامّ بالغ الأهميّة. أمّا إذا وصل هذا الخوف إلى حدّ الإفراط فإنّ له آثار اجتماعيّة وفرديّة موسّعة كانفعال وعزلة المواطنين الاجتماعيّة وتقلّص مستوى الثقة العامّة وزيادة الكلفات الاجتماعيّة. ترمي المقالة الراهنة ضمن مناقشة هذه الظاهرة والأسباب المؤثّرة عليها إلى دراسة آثارها الفرديّة والاجتماعيّة وسبل ومناهج تقليص مستوى الخوف من وقوع الجريمة. المفردات الرئيسيّة: الخوف من الجريمة، الأمن، الوقوع أمامة الجريمة، وسائل الإعلام، الاضطراب البيئيّ.

نظرة مقارنة إلى دور ومكانة المجنيّ عليه في العمليّة الجزائيّة

□ أمير حمزة الزينالي (دكتوراه بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام)

□ محمّد باقر المقدّسي (أستاذ مساعد بجامعة بنجورد)

تشار إلى زيادة دور ومكانة المجنيّ عليه في العمليّة الجزائيّة كأحد ثمرات ظهور واتّساع الفيكتومولوجي الحامي. فإنّ دراسة أبعاد حضور المجنيّ عليه في العمليّة الجزائيّة لشتّى النظم القانونيّة توّعت إلى أنّ مستوى تأثير اتّجاهات الحماية عن المجنيّ عليه في النظم القانونيّة منوّعة جدّاً. وتجري هذه على الوتيرة والمنهج الذي للنظم الجزائيّة التي تجد جذورها في النظام القانونيّ الروميّ - الجرمنيّ، كألمان وفيرسا وفي هذه دور المجنيّ عليه في بدء ومواصلة الدعوى الجزائيّة أكثر من النظم الجزائيّة التي جذورها في القانون العرفيّ (كامن لو). مع ذلك كلّه، في النظم الجزائيّة العرقية (كامن لو) دور المجنيّ عليه في مرحلة صدور الحكم أكثر وأهمّ من النظم الجزائيّة الروميّة -

الجرمينة. وكذلك فإن في النظام الجزائي الإيراني في مجال الجرائم التعزيرية- دور وحضور المجني عليه في بدء ومواصلة الدعوى الجزائية أكثر وهذا على غرار النظام القانوني في آلمان وفرنسا والحال أن دور المجني عليه في مرحلة صدور الحكم أضعف. تطرقت المناقشة الراهنة عبر اتجاه مقارني أن تدرس دور المجني عليه ومكانته في بدء ومواصلة الدعوى الجزائية وكذلك في مرحلة صدور الحكم.

المفردات الرئيسة: المجني عليه، الدعوى الجزائية، ملاحقة الدعوى، مرحلة صدور الحكم، العملية الجزائية.

تحليل جريمة الاستخدام السيئ من المعلومات السرية في سوق الأوراق المالية

- غلامعلي الميرزائي المنفرد
- طالب في مرحلة الدكتوراه بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام

لا ريب ولا شك في سوق رأس المال، تعتبر المعلومات أساس السوق ولها قيمة ونتائج مالية وعلى المركز الناظر أن يهيئ الفرصة العادلة والسوية للمعلومات لكافة ناشطي السوق. ولا اعتبار هذا السوق عادلاً لا بد على جميع ناشطي السوق أن يصلوا إلى معلومات المؤسسات على مستوى واحد وسوي وأن تكون تجارة الأوراق المالية مبنية على المعلومات التي انتشرت للجميع وعبر طريق رسمي. والذي يوجب أن نعتبر هذه الظاهرة (الاستخدام السيئ من المعلومات الخفية) جريمة وتعيين العقوبة الجزائية للمنتهك وهذه تعتبر الخيانة في الأمانة التي حصلت في المعلومات الموجودة. هذا من جانب ومن جانب آخر، تعتبر الإضرار إلى بقية الناشطين في السوق الذين اشتروا بسبب عدم العلم بالأوراق المالية بثمان غال أو باعوا الأوراق المالية بثمان رخيص. هذا، إضافة إلى أن الاستخدام السيئ من المعلومات السرية سبب في تخفيض وسلب ثقة بقية الناشطين في السوق وفي الطعن في الثقة والاعتماد إلى دور السوق وقواعده. لذلك المقالة الحالية اختصت بدراسة قانونية لهذا الأمر الذي أحد الأصدقاء الحديثة في مجال السوق والتجارة.

المفردات الرئيسة: منظمة البورصة والأوراق المالية، المعلومات السرية، العالمون بالمعلومات السرية، الاستخدام السيئ، مبادئ اعتبار الجريمة، الأركان الموجودة.